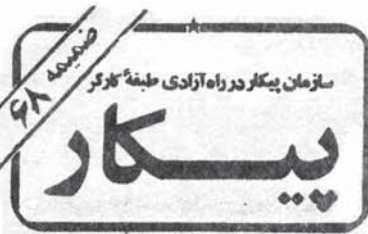


رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رزمندگان و

مسئله رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی



طبقه و توده‌ها ترا پی بقای نظام مکن را فرا هم بسازد.

کسانی که میگویند ما زیاد روی میکنیم نمیفهمند و با نمی خواهند بفهمند که انقلاب پیروز منصف تحت رهبری طبقه کارگر و براساس یک مبنی پرولتری میسر است و تضمین این رهبری و این خط مبنی تنها در مبارزه همه جا سبه علیه دشمنان و حاکم طبقه کارگر و دشمنان آنتی ناپذیرا ایدئولوژی ما رگیمیستی - لنینیستی امکان پذیر است. بورژوازی برای اینکه از انقلاب جلوگیری نماید میگوید تا با تعرض علیه ما رگیمیم به فساد کثافتند ایدئولوژیک طبقه کارگر و محروم نمودن این طبقه از ما رگیمیم لنینیسم، از تحق و امر انقلاب ضمانت بعمل آورد. اصلاح ایدئولوژیک بورژوازی علیه ما رگیمیم لنینیسم و رویزونیسم است. بورژوازی با انکار به رویزونیسم میگوید تا پرولتاریا را با انکار دادند. ایدئولوژیک خود در آورد و او را در دنیا لادوروا شده خود سما بد. او میداند که تنها ما رگیمیم لنینیسم است که طبقه کارگر را بطور آسانی با بدو و در آواها و علیه سیستم طبقاتی و وجوده حاکم و امپراتوریه همین خا بطر او میگوید از روح خط کمونیستی به مان سوده ها. تمام فو اخلوگری بعمل آورد. او را را آسانی بورژوازی در دنیا بد با خط ما رگیمیستی رویزونیسم کند تا با خط ما رگیمیستی

رویزونیسم سیاست سازنکارانه در پیش بگیرد. هر چیزی با سیاستی که با رویزونیسم سازش کند سوا نتاج خود به جبهه پورتونیسم و رویزونیسم در خوا هد غلنتی و سبه عامل و مجری سیاست بورژوازی ارتجاعی تبدیل خواهد شد.

به این ترتیب ما بنویسه خود علیه رویزونیسم ما رزه میکنیم زیرا مخالف سیاست سازش با رویزونیسم میا نیم. زیرا میگویم تا با سدا ررا ستین طبقه کارگر و تنها ایدئولوژی انقلابی دوران ما رگیمیم لنینیسم ما نیم. ما علیه رویزونیسم میجنگیم زیرا در پی آنتیم از آلوده شدن جنبش کمونیستی سبه انحرافات بورژوازی و خرده بورژوازی جلوگیری نمائیم. ما علیه رویزونیسم بیکار میکنیم زیرا میگویم تا طبقه کارگر بر اساس ما رگیمیم لنینیسم به تعرض همه ناپسند علیه بورژوازی و ایدئولوژی او بر خا. نه وجهت حرف فیهرا میرد در سبانی دوران ما. ما لیسسه رویزونیسم تعرض میکنیم زیرا نمیخواهیم به فساد شده تویم و ک کپهان سافع بورژوازی. آنتیم اس آمورنی است که لیس برای ما و همه کمونیستهای جهان به میرات کدا سنا است.

"انترناسیونال دومین میخواست بر ضد پورتونیسم مبارزه کند، طرفدار مصلح با آن بود برای تقویت آن امکان بوجود آورد. انترناسیونال دومینست به پورتونیسم سیاست سازنکارانه در پیش گرفت و خود هم پورتونیستی شد."

(تاریخچه حزب بلشویک، صفحه ۲۶۷)
چرا ما علیه رویزونیسم مبارزه می کنیم؟ ما مبارزه می کنیم زیرا بدون این مبارزه سبده علیه بورژوازی و امپریالیسم غیر ممکن است و غیر ممکن است چرا که رویزونیسم و پورتونیسم سبها به یک خط مثنی بورژوازی در مبارزه طبقاتی پرولتاریا با اخلال و خرابکاری میکنند و متوجهند تا این مبارزه را به کجراه و انحراف بیکتاند. رویزونیستها در پی آن میباشند تا از طریق به انحطاط کثافتن حزب کمونیست، طبقه کارگر و سب پروده های زحمکن از انقلاب جلوگیری سوده و ما کمیت بورژوازی را ندام و بختند. آن در شوری و در عمل آکا ها سوسی و فعه میگویند تا طبقه کارگر به راه اندهی بعدا بورژوازی تبدیل گردد. آری ما علیه رویزونیسم مبارزه میکنیم زیرا مخالف سبخت سازش با رویزونیسم میا نیم. رویزونیسم با نفوذ در درون جنبش کمونیستی و سازمانهای آن در پی سبه تلاشی کثافتن ایدئولوژی و سیاست پرولتری میا ند رویزونیسم در پی تبدیل شکل کمونیستی به شکلی را مومی خطر برای بورژوازی مناسند. روشن است که استحاله رویزونیستی - بورژوازی سازمانهای جنبش کمونیستی بیکاره صورت نخواهد گرفت. رویزونیسم همچون خورده ای به جان شکل کمونیستی می افند. در ابتدا آهسته آهسته در انکال نامرئی و سبجده در درون جنبش و شکل آن نفوذ میکنند و سب به تعرض میپردازد اولین اقدام انحراف رویزونیستی زدودن سبیری میا رزه های ایدئولوژیک علیه رویزونیسم است. انحراف رویزونیستی روحیه سازگاری و دمازی با خطر رویزونیستی را بوجود می آورد و ما من میزند. رویزونیسم سبزمینه سازنکاری در برابر خطر عظیم رویزونیسم و سب متوجه و سب لادوروا سبیری از استمرار سازنکاریها، شکیک ها، دمازیها و ففدان مبارزه ضد رویزونیستی با به میگیرد. رشد میکنند و علیه میا بد. سیاست و روش سازنکارانه در فیا ل رویزونیسم و پورتونیسم، زمینه ساز تبدیل سازمان کمونیستی به سازمانی ضد انقلابی و رویزونیستی میا شد. خا ملین این سیاست سازش، روشنفکران خرده بورژوازی میا با شده که راهای متکبوت لیبرالیسم مغز و تفکر آنان را در جنگل خود میفشارد، روشنفکرانی که به ما رگیمیم - لنینیسم لمداده اند و توفق مبارزه ای سرخست در راه آنان کمونیست را به التها ب نمیکنند. در بیطن تفکر آنان ایده سازش بین ایدئولوژی کمونیستی و ایدئولوژی بورژوازی نهفته است. آنان میخواهند با لیبرالیسم، بین پرولتاریا و بورژوازی پلی برقرار کنند. آنان به سب میا رزش رویزونیسم میا شد. این روشنفکران خرده بورژوازی از من خود رویزونیسم را پرورش میدهند و زمینه انحطاط خود و سازمان کمونیستی را فراهم میمانند. آنان از سیاست سازش با رویزونیسم سبه برده ا رویزونیسم در میفلتند. این سر نوشت مستوم هر سازمان و جریانی است که نسبت به پورتونیسم و

مبارزه بیکر ضد رویزونیستی زیاد در پی

کسانی که دارای بر لول در برابر رویزونیسم ما سدا سوا کسانی کدا همت مبارزه در رویزونیستی ادراک نمیکنند چه سار ما خرده بگیرند که ما در این رزه از سبده طبقاتی زیاد در پی میکنیم (۱).
جنبش کسانی نمی فهمند و سب میخواهند بفهمند که مبارزه جهت سرتوکی بورژوازی و امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه فریمیم، پورتونیسم و رویزونیسم عین کسه است. چگونه؟ مگر نه اینکه در هم گشتن ما بین دولتی بورژوازی و سرتوکی ارتجاع و امپریالیسم از طریق یک انقلاب فیهرا میز میا است؟ مگر نه اینکه برای تحق امر انقلاب میا بست طبقه و سوده ها را به حول ایده انقلاب سبج و متشکل و مصلح سوده؟ مگر نه اینکه ایده انقلاب در تمامه در بیان سیاست فرم و سازش طبقاتی میا شد؟ مگر نه اینکه جواب تمام این پرسشها مثبت است؟ آری، با توجه به تمام این دلایل بورژوازی و امپریالیسم سرتوکی نمیشوند مگر سب قدرت انقلاب سوده های که خود را از سبوم و کثافتات فریمیم و رویزونیسم خلاص کرده اند. به همین خاطر بود که لنین میگفت:

"خطرناکترین افرا در راه پورتونیسم کسانی هستند که نمیخواهند سبها بین نکته بی ببردند که اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه پورتونیسم ما منیا شد جز سبها رت پردا تی پوج و دروغ چیزی نخواهد بود" (امپریالیسم سبها سبه بالاترین مرحله سرما به داری)

دروغ و فریب است اگر جریانی بگوید برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکنند، ما با فریمیم و رویزونیسم مرز بندی حقیقی نداشته با شد، سبیرنگ و تزویر است اگر جریانی بگوید برای درهم گشتن طبقه بورژوازی و امپریالیسم مبارزه میکند، ما با سازش - کاری و پورتونیسم مرز بندی روشن و انقلابی نداشته با شد. مثنی سازش و رویزونیسم ارتجاع و امپریالیسم را سرتوکی شکیکند، این مثنی از طریق به فساد کثافتن

"سبها خط ما رگیمیستی در جنبش کارگری جهانی این است که سب سوده ها اجناس با سبیری و لوم سبیری را با رویزونیسم را سبج دهد و آن را برای انقلاب سب سب سبها کارگرمی یک مبارزه سب علیه ایور - سبیم آکا هفا سبده." (لنین - امپریالیسم و انقلاب در سوسیالیسم)
بنابراین خط ما رگیمیستی طرفدار انقلاب است و دشمن ایدئولوژی بورژوازی یعنی پورتونیسم و رویزونیسم میا بد. به همین لحاظ است که بورژوازی با انکار به رویزونیسم سبجک پرولتاریا میروند و پرولتاریا سبیرا انکار به ما رگیمیم لنینیسم سبجک بورژوازی میروند. پرولتاریا میداند که انقلاب پیروز - مندش فقط به انکار سوسیالیسم علمی میا است و سبه همین خاطر او نمیتواند بطور مستمر علیه رویزونیسم مبارزه کند. کسانی که میگویند ما زیاد در پی میکنیم نمی فهمند و سب میخواهند بفهمند که بدون مبارزه ضد پورتونیستی و ضد رویزونیستی لنین کیم ما رگیمیم توسط عمل بورژوازی یعنی پورتونیستهای انترناسیونال دومین ففون کشته و دیکتا توری پرولتاریا هرگز نمیتوانست استقرار پیدا نماید. چرالین میگفت:

"اگر پورتونیسم در جنبش طبقه کارگر کلا شکست نخورد، دیکتا توری پرولتاریا نمیتواند وجود آید" (انتخابات مجلس موسان و دیکتا توری پرولتاریا)
زیرا بر نشین ها و کاتو سکی ها... آموزش اناسی ما رگیمیم یعنی دیکتا توری پرولتاریا ایدست فراموشی سبده و کلا ما بدان غیانت ورزیده بودند. آنان سبه دیکتا توری و مگر امی بورژوازی سبده کیده و دیکتاتور سب پرولتاریا را سبده ففلسفا دمین نمودند. ما رزه سبگیر لنین علیه انترناسیونال دوم جا زده ادا سبها سبها و فروغ تا بنا ک ما رگیمیم آموزش اناسی او سبها رده دیکتا توری پرولتاریا را سبها رزه پرولتاریا را روشن سازد. او این طبقه را در راه کسب قدرت هدا بست

نماید. راه‌نشینان دادگاه را کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا از مبارزه و درونیونستی میگذرد.

مبارزه علیه رویونیونسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا نیست

با توجه به تمام مسائل فوق ما این آموزش کمپرسر لنین را با صدای رسا اعلام میکنیم که رویونیونسم دشمن اصلی و سرخست ما رکیسم لنینیسم می باشد و به همین خاطر مبارزه بی‌پیکر علیه رویونیونسم در دستور همسره کمونیستهای ایران و جهان قرار دارد. مبارزه علیه فروریونیونسم در تمام اشکال آن یعنی رویونیونسم خروشچی - برژسکی، رویونیونسم چینی یا سه‌جانبی، رویونیونسم سوسیالیستی و "کمونیسم اروپا" یعنی مضمون اصلی مبارزه با ایدئولوژیک کمونیستها در عرصه جنبش مارکسیستی لنینیستی جهانی را تشکیل میدهد. ولی مسئله‌ای که هرگز نباید فراموش کرد و در پیوند با مسائل فوق قرار دارد، تحولات ناشی از استفرار رویونیونسم در یکسری از کشورها می باشد عدم توجه لازم به این تحولات بنوعی خود ابرتوانمندی را بر سر خود آورد و استراژی جنبش بین‌المللی کمونیستی را به گمراهی سوق خواهد داد. با کمیت رویونیونسم در یک کشور صرفاً یک انحراف برای جنبش کمونیستی نمی باشد بلکه این امر بطور مستقیم خطر بزرگی برای جنبش کمونیستی - کارگری جهان و جنبش خلقها بحساب می آید. امروز غلبه دولتی کمیت کامل رویونیونسم بر دستگا حزبی دولتی شوروی متعجبان کرده که شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیالیستی امپریالیستی تبدیل شود. ما سوسیالیست، بدینکاری شوروی پرولتاریا در شوروی و بازگشت سرمایه‌داری، ما سوسیالیست افشار سوسیالیستی و استفرار اقتصاد امپریالیستی، شوروی امروز را به یکی از دشمنان طبقه کارگر و خلقها تبدیل نموده است. شوروی امروز دیگر نیکی‌ها و دوستی‌ها پرولتاریا و خلقهای ستمدیده نمی باشد شوروی امروز یکی از نیکی‌ها و دشمنی‌ها جهانی است. شوروی امروز در حرف سوسیالیستی و در مابیت و جوهر خود امپریالیستی می باشد. ما بر این شوروی سوسیالیستی امپریالیستی امروز نه تنها دشمنی جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی می باشد بلکه همچنین دشمن استقلال و آزادی خلقها بشمار می آید و استراژی بین‌المللی پرولتاریا را نمیتواند این امر اساسی را بحساب بیاورد.

بعلاوه با کمیت رویونیونسم در چین، این کشور را در صف دشمنان انقلاب طبقه کارگر قرار داد. رویونیونسم نیستی‌های سه‌جانبی میگویند سوسیالیست امپریالیسم شوروی را بعنوان تنها دشمن طبقه کارگر و خلقهای جهان قرار داده و بر این پایه زمینه‌سازی طبقه‌نشی بسایر امپریالیستی‌های دیگر و بورژوازی و ارتجاع بومی را فراهم سازند. رویونیونسم نیستی‌های مرتجعینی که بر اساس نشوری ارتجاعی "سه‌جهان" مبارزه و انقلاب اجتماعی را بطور کلی نفی کرده‌اند، امروزه فوج ترین می‌لغین ساژن طبقه کارگر و خلقها با ارتجاع و امپریالیستی‌ها میباشند. امروزه انقلابیون حاکم بر چین در اتحادیه امپریالیستی‌های بلوک غرب خلقها را به سازش طبقه‌نشی فرامیخواهند و بدین ترتیب دشمنی آنها را خود را بسایر طبقه کارگر برآورده‌اند. بپرواض است تغییر ماهیت قدرت سیاسی در چین و پیوستن چین به صف انقلاب جهانی در استراژی بین‌المللی پرولتاریا تغییر ماهیت محسوس وجود می آورد که دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین بر مرز بندی کمونیستها نمیتواند به مرز

بندی علیه رویونیونسم خروشچی و محدودیتها در ضرورت مبارزه طبقه کارگر و انقلاب خلقها حکم میکند که علیه سوسیالیست امپریالیستی شوروی به معنای بی‌پیکر از نیروهای امپریالیستی اردوگاه جهانی دشمن نیز مرز بندی نمود. پرولتاریا باید بطور دقیق شناختن قوای دشمنان و دوستان انقلاب را در عرصه جهانی معین نماید. هرگونه خطا و اشتباه در این زمینه ضربات مرگباری را متوجه جنبه انقلاب جهانی خواهد ساخت. ضرورت مرز بندی و مبارزه علیه سوسیالیست امپریالیستی شوروی از همین امر ناشی میشود. سوسیالیست امپریالیست همان رویونیونسم خروشچی نیست. اگر رویونیونسم خروشچی به معنای ارتداد کامل از مارکسیسم لنینیسم شوروی را بر سر ما هدایت می‌کند، سوسیالیست امپریالیستی ما را استفرار سرمایه‌داری دولتی و اقتصاد امپریالیستی میسازد که در عرصه جهانی بر علیه خلقهای تحت ستم به اعمال ستمگری ملی میپردازد و از طریق صدور سرمایه‌داری را بر سر غارت و جباول خلقها دست میزند. شوروی امروز به یک قدرت توسعه طلب و امپریالیستی در قسطنطنیه جهانی و مناطقی نفوذ می‌کند تا بل کوچی راه خود را در تمام دنیا بسازد. بدین خاطر ما مبارزه با امپریالیستی خلقهای جهان از مبارزه علیه سوسیالیست امپریالیستی در اتحادیه سوسیالیستی و از آنجمله حزب سوسیالیست و ایران را در جنبشهای فداکاری (اکتبر) میگویند. سوسیالیست امپریالیست در عرصه دوست خلقهای جهانی حاضرند. آنان حسن و اعتماد سازند که فقط امپریالیستی بلوک غرب امپریالیست میسازد و بدین طریق آنان میگویند تا جنبش سوسیالیست را به انحراف و مصادم با ملی امپریالیست آمریکا در ایران را با مقام فاشیستی سوسیالیست امپریالیست میسازد. حزب سوسیالیست شوروی سوسیالیست که میسازد و در تمام ستم‌زدگی و اقتصاد ملی میسازد در ستم‌زدگی است. ما امپریالیست امپریالیست در اتحادیه سوسیالیستی و در انقلاب دمکراسی و سوسیالیسم امپریالیستی (و بدین معنی امپریالیست آمریکا) می باشد. جهت اصلی این انقلاب متوجه ستم سرمایه‌داری و استبداد است. دولت طبقه‌نشی با سواد آن و امپریالیست جهانی و بخصوص امپریالیست خروشچی آمریکا میسازد. بپرواض است که شوروی اگرچه دشمن عمده خلق ما نیست، ولی در جای امپریالیست جهانی جزو دشمنان خلق و انقلاب ما بشمار می آید. پرولتاریا یک طبقه انترناسیونالیست است و به همین جهت فقط علیه بخشی از امپریالیستی‌ها مبارزه نمیکند و بطور بی‌پیکر با همه دشمن یک مبارزه ضد امپریالیستی تمام عیار میسازد و بنا بر این بپرواض است که طبقه کارگر در تعیین استراژی خود در تعیین دشمنان انقلاب سوسیالیست امپریالیست در جنبه بین‌المللی دشمنان انقلاب ایران قرار ندهد. آری جنبش کمونیستی و کارگری ما نه تنها باید از این خط کنی روشن و صریحی علیه رویونیونسم خروشچی و ... باشد بلکه همچنین میبایست از این مرز بندی قاطعی نسبت به سوسیالیست امپریالیست باشد. لغزش و تزلزل در برابر رویونیونسم به تزلزل و گرتش در برابر سوسیالیست امپریالیست میسازد و گرتش در برابر شوروی امپریالیستی سربلندی کامل را بپوشد می آورد.

به تحولات جنبش ایران طی چند سال اخیر نگاه کنیم، چگونه گروه منشعب از سازمان چریکهای فداکاری خلق در آن ۵۶ به رویونیونستی‌های حزب توده پیوست؟ چگونه بخش اکثریت سازمان چریکهای فداکاری خلق در دوره اخیر به جنبه رویونیونستی‌ها در غلبه قدرت امپریالیستی

سقوط این جریانها چه چیز دیگری جز آشنایی با رویونیونسم خروشچی میتوانست باشد؟ روشنفکران خرده بورژوازی و ناپیکری که به صف مارکسیستها آمده بودند، در حالیکه بدور زدرک علمی از مارکسیسم و رویونیونسم قرار داشتند، با رشد مبارزه طبقه‌نشی و تحولات ناشی از آن، وحشتزده از انقلاب، صف خود را بطور روشن از مارکسیستها جدا کرده و آنقدر به فقیر رفتند تا با لایحه به سردار رویونیونسم در غلبه آری، رویونیونسم بر توهمات تفکرات لیبرالی، سازشکارها و معاشات جنبشهای این روشنفکران سوار شدند و آنان را به راه خود پیوستند. اگر خوب بسا دنیا و بریم متوجه میشویم که ما زمان چریکهای فداکاری هیچگاه درک روشن و درستی از رویونیونسم نداشتیم و پیوسته سعی میگردیدیم تا مرکز ما را به رویونیونسم حرکت کند. خط جزئی میگردید تا بین مارکسیسم لنینیسم و رویونیونسم بیل بزنیم و خود را مصلحان از دو قطب جهانی کمونیستی، مستقل سازیم مضمون چنین سیاستی جز استی از رویونیونسم جزید دیگری نمیتوانست باشد. ما با سوسیالیست لنینیست بودیم و رویونیونسم مرز بندی داشت و ما با سوسیالیست لنینیست داشتیم و علی‌گفته کمونیست میماندیم. خط مرکز ما تشریحی جزئی یا خط معاشات با رویونیونسم را دیگری جز زمینه‌سازی جهت نفوذ کرده رویونیونسم نمیتوانست داشته باشد. غلبه رویونیونسم بر "گروه مسست" و سخن اکثریت ستم‌زدگان در جنبش ستم‌زدگان سوسیالیست را در دست گرفته بود. همین سیاست ما را در ستم‌زدگان تحسین کرد و این رویونیونسمی را در ستم‌زدگان تحسین کرد. ما در اتحادیه کمونیستها و همسازان را در اتحادیه کمونیستها این جریان را در دست سوسیالیست امپریالیست بر سر قرار دادیم. مرز بندی رویونیونسم با این موارد ختم نمیشود. رویونیونسم در ستم‌زدگان تحسین کرد و در ستم‌زدگان تحسین کرد و در ستم‌زدگان تحسین کرد. ما در اتحادیه کمونیستها و همسازان را در اتحادیه کمونیستها این جریان را در دست سوسیالیست امپریالیست بر سر قرار دادیم. مرز بندی رویونیونسم با این موارد ختم نمیشود.

در ستم‌زدگان تحسین کرد و در ستم‌زدگان تحسین کرد. ما در اتحادیه کمونیستها و همسازان را در اتحادیه کمونیستها این جریان را در دست سوسیالیست امپریالیست بر سر قرار دادیم. مرز بندی رویونیونسم با این موارد ختم نمیشود.

آنچه گفته شد پیش در آمدی بود برای طرح بسبب مسئله اساسی، مسئله‌ای که مسئله مورد بحث ما در اینجاست. این مسئله بررسی انحراف رویونیونستی در جریان موسوم به "خط ۳" و بطور مشخص در رفقای "زمنندگان" میباشد. این انحراف بویژه خود را در تزلزل در برابر سوسیالیست امپریالیست شوروی بنمایش میگذارد. سایر مواضع رفقای زمینندگان در مقابل سوسیالیست امپریالیست ما را در برابر این واقعیت تا سفا و رفرقا ریمده که تزلزلات رویونیونستی در این سازمان را نشان نموده است که تجلی کنونی خود را در رفقای امپریالیستی بودن شوروی مظهر سرمایه‌داری چگونه؟

(۱) آمده است

(۱) - ما این مسئله را در نوشته خود بنام "راه کارگر در برابر رویونیونسم" در قلمرو رویونیونسم "مورد نقد و بررسی قرار داده ایم (رجوع شود به ضمیمه پیکار ۵۸)